

پرداخت عیدی بازنشستگان تا ۱۵ اسفند

عیدی بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تامین اجتماعی، تا ۱۵ اسفندماه پرداخت می‌شود. این خبر را مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، در دیدار با اعضای کانون عالی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی داده است. دکتر سیدنتقی نوربخش، گفته در روزهای آینده، ۶ هزار میلیارد تومان از مطالبات این سازمان از دولت وصول می‌شود که قصد دارند با آن، عیدی بازنشستگان را تا نیمه‌های اسفند پرداخت کنند. نوربخش، همچنین گفته از همین محل، حدود ۳ هزار میلیارد تومان از طلب‌های مراکز درمانی طرف قرارداد با این سازمان نیز تسویه می‌شود.

یکشنبه ● ۶ اسفند ۱۳۹۶ ● شماره صد و چهل‌وسه

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

چشمه‌سخت‌تر

خبرها و نظره‌های تامین اجتماعی

واکاوی زوایای پیدا و پنهان مصوبه اخیر مجلس، درباره واریز حق بیمه سهم درمان کارگران به خزانه

چرا این تصمیم اشتباه است؟



کارشناسان معتقدند جدایی حساب بخش درمان تامین اجتماعی غیرکارشناسی، غیرقانونی و بدعتی جدید در نظام قانون‌گذاری کشور است

گرفتن پول از خزانه‌شود و از خدمت بازماند؟ و از همه مهم‌تر اینکه با فرض تأیید نهایی این مصوبه، آیا مشکلات ساختاری و دامنه‌دار طرح تحول نظام سلامت به ویژه در زمینه تامین منابع پایدار و فقدان تدابیر جامع نظارتی پایان می‌پذیرد؟

■ ایرادهای قانون اساسی مصوبه

شرکای اجتماعی- تفکیک حساب بخش درمان تامین اجتماعی را به معنای تضعیف این‌بخش و خطر هدررفت دسترنج چندده‌ساله خود می‌دانند که خساراتی جبران‌ناپذیر، برای نظام سلامت کشور هم در پی خواهد داشت. به گفته تحلیلگران حوزه تامین اجتماعی، بند «ز» تبصره ۷ لایحه بودجه با قانون اساسی و دیگر قوانین بالادستی، نظیر قانون برنامه ششم توسعه، قانون محاسبات عمومی و ... تعارض دارد. بزرگ‌ترین نقد به این مصوبه نیز این‌طور آمده که بودجه کل کشور، از طرف دولت تهیه و به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌شود و هرگونه تغییر در ارقام آن، تابع مراتب مقرر در قانون است. طبق تعریف، بودجه، دخل و خرج یک‌ساله دولت است و ایران نیز قانون محاسبات عمومی کشور-مصوب شهریور ۱۳۶۶- چنین تعریفی از بودجه داده است: «بودجه، برنامه مالی دولت است که برای یک‌سال مالی تهیه می‌شود و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار و برآورد هزینه‌هاست.» به یک معنا، بودجه مختص دستگاه‌ها، نهاده‌ها و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت است. اما آیا تامین اجتماعی نیز مشمول این تعریف می‌شود؟ ماده یک قانون تامین اجتماعی، با این شرح که «سازمان تامین اجتماعی، دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن، منحصرا طبق اساسنامه‌ای که به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد، اداره می‌شود»، صراحتا شمول تعریف بودجه بر سازمان تامین اجتماعی را رد کرده است. نقدهایی که کارشناسان حوزه رفاه و تامین اجتماعی نیز به این مصوبه وارد می‌کنند، از همین منظر و برخی زوایای حقوقی و فنی دیگر است. عباس اورنگ، کارشناس تامین اجتماعی، این مصوبه را آزمونی بزرگ برای مجلس و شورای نگهبان می‌داند و معتقد است که آثار و تبعاتی زیانبار

ژاویه دید

به گفته تحلیلگران حوزه تامین اجتماعی، بند «ز» تبصره ۷ لایحه بودجه با قانون اساسی و دیگر قوانین بالادستی، نظیر قانون برنامه ششم توسعه، قانون محاسبات عمومی و ... تعارض دارد. با این حال ماده یک قانون تامین اجتماعی، با این شرح که «سازمان تامین اجتماعی، دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن، منحصرا طبق اساسنامه‌ای که به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد، اداره می‌شود»، صراحتا شمول تعریف بودجه بر سازمان تامین اجتماعی را رد کرده است.

در دیدار با اعضای کانون عالی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی داده است. دکتر سیدنتقی نوربخش، گفته در روزهای آینده، ۶ هزار میلیارد تومان از مطالبات این سازمان از دولت وصول می‌شود که قصد دارند با آن، عیدی بازنشستگان را تا نیمه‌های اسفند پرداخت کنند. نوربخش، همچنین گفته از همین محل، حدود ۳ هزار میلیارد تومان از طلب‌های مراکز درمانی طرف قرارداد با این سازمان نیز تسویه می‌شود.



کتیو ۰۳

که با دیدگاه حقوقی و تطبیق آن با قوانین تامین اجتماعی، مصوبه مجلس را از نظر قانونی، محل تردید می‌داند. او در گفت‌وگو با آتی‌نو می‌گوید: «مطابق قانون تشکیل اداره خزانه‌داری کل مصوب ۱۳۰۱ و شرح وظایف فعلی خزانه‌داری، صرفا وجوهی که جزئی از درآمدهای عمومی یا اختصاصی متعلق به دولت است، در خزانه‌داری نگهداری می‌شوند؛ در صورتی که حق بیمه، تعریفی جداگانه داشته و متعلق به صاحبان تعریف‌شده خود است.» به گفته تاجیک، ماده ۲ اساسنامه سازمان تامین اجتماعی، به صراحت دلایل ایجادى سازمان تامین اجتماعی را تمرکز وجوه و درآمدها با به‌کارگیری اصول محاسبات بیمه‌ای دانسته، اما بند «ز» تبصره ۷ تمامی مبانى ایجادى تامین اجتماعی را متزلزل می‌کند. وی اضافه می‌کند: «ماده ۴ اساسنامه، مقرر کرده میزانی از درآمدهای تامین اجتماعی، صرف‌ارائه کمک‌های کوتاه‌مدت، بلندمدت و درمان شود و مازاد آن، برای تعهدات آتی سرمایه‌گذاری شود.» این کارشناس تامین اجتماعی، در ادامه تصریح می‌کند: «تفکیک حق بیمه و مشخص کردن سهم درمان از آن، با ماده ۲ اساسنامه، ارتباط مستقیم دارد. یعنی سازمان با تمرکز وجوه و به‌کارگیری محاسبات بیمه‌ای، سعی در مدیریت منابع و مصارف دارد. شاید در سال‌های ابتدایی، نیازی به هزینه‌کرد تمامی سهم درمان نباشد و به جای آن، در حوزه سرمایه‌گذاری‌ها ورود کند. و اینکه که حوزه درمان و بیمه دچار مشکل تامین منابع شده‌است، از محل ذخایر، هزینه می‌کند.» به باور تاجیک، برآیند همه این صحبت‌ها این است که سازمان تامین اجتماعی، استقلال مالی دارد و در حفظ و نگهداشت منابع بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران خود، برمیانی محاسبات بیمه‌ای عمل می‌کند، اما بند «ز» تبصره ۷ لایحه بودجه، با این مفاهیم، در تعارض است.

■ تمرکز وجوه، تنها راه شفافیت نیست

به عقیده بسیاری، لفظ «درآمدهای دولتی» بزرگ‌ترین انحراف مصوبه اخیر مجلس درباره تامین اجتماعی است که به معنای ضمنی آن، بی‌توجهی کرده و شاید دلیل آن، آشنایی اندک برخی نمایندگان با فرآیندهای حقوقی و قوانین بالادستی باشد. اما چرا نمایندگان از چنین ایرادهای ساختاری گذشتند و نظرشان را بر جدایی حساب‌ها قرار دادند؟ شاید بشود گره اصلی ماجرا را آنجا جست‌وجو کرد که نمایندگان گفتند می‌خواهند اتاق شیشه‌ای درست کنند. یعنی با شفاف کردن حساب و کتاب‌های تامین اجتماعی- کمک کنند گردش وجوه و سرعت عمل تامین اجتماعی در خدمات‌دهی شایسته، بالاتر رود. حتی برخی نمایندگان یا رافراتر گذاشتند و از تعبیر «برقراری پیوند مجدد میان بیمارستان‌ها و کارگران» صحبت کردند. موضوعی که عباس اورنگ، طرح آن را توجیهی نادرست برای خطاهایی می‌داند که نمایندگان حامی این مصوبه مرتکب شده‌اند و از همین رو، درستی آن را رد می‌کند. خطاهایی که به گفته او، بخشی از آن، ناشی از ناآشنایی با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود است، به عقیده این کارشناس تامین اجتماعی، اینکه فکر کنیم تامین اجتماعی، شفاف نیست و سیستمی را به طور غیرقانونی تعریف کنیم، به هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست. اورنگ، با تأکید بر اینکه ظرفیت‌ها و مکانیزم‌های نظارتی متعددی در اختیار مجلس و دولت است، می‌گوید: «با این استدلال نمایندگان، باید هر جای غیرشفاف، به خزانه وصل شود. درحالی که مکانیزم تفحص و تحقیق، در اختیار مجلس است. مگر سازمان حسابرسی کشور -که اهرم نظارتی وزارت اقتصاد و دارایی است- حساب و کتاب تامین اجتماعی را بررسی نمی‌کند؟ دیوان محاسبات نیز همین وظیفه را برعهده دارد. اینها مکانیسم‌های نظارتی و ظرفیت‌های شفاف‌سازی هستند؛ اما نمایندگان به آنها توجه نکرده‌اند و تنها زمینه‌ساز موازی کاری و پاک کردن صورت مسئله بوده‌اند.» با همه این تقاسیر، مصوبه جدایی حساب درمان تامین اجتماعی، از صحن گذشته و به ایستگاه شورای نگهبان رسیده است. حالا باید فقها و حقوق‌دانان این شورا مشخص کنند استدلال‌های کدام گروه، با شرع و قانون، تناسب بیشتری دارد و آیا سازمان تامین اجتماعی و شرکای آن در ایستگاه آخر، خشنود می‌شوند یا نگرانی‌های آنها، وارد مرحله تازه‌ای می‌شود؟

● یادداشت ● محمد بوستین‌دوز

به اسم شفافیت رویه غلط بنیان نگذاریم!

همه ما کم و بیش می‌دانیم که بخش درمان سازمان تامین اجتماعی، ویت‌رین خدمات این سازمان است و در فرهنگ مردم نیز تامین اجتماعی را با دفترچه بیمه درمانی می‌شناسند. اگر به تاریخچه شکل‌گیری نهادهی به نام تامین اجتماعی توجه کنیم، بخش درمان، همواره جزء لاینفک این سازمان بوده و از طرفی نیز به کرات در مواد و تبصره‌های قانونی اشاره شده که این سازمان، از استقلال مالی و اداری برخوردار است. بنابراین اتفاق‌هایی افتاده که این چنین به بخش درمان هجمه صورت می‌گیرد و طبیعتا می‌توان حدس زد تبعات فراوانی در پی خواهد داشت. نگارنده معتقد است آنچه باعث گرفتاری امروز تامین اجتماعی شده، در وهله اول، الزامات طرح ملی تحول سلامت است که دولت بازدهیم، مبتکر آن است. در طول سه سالی که از اجرای این طرح می‌گذرد، درباره منابع تامین اجتماعی، بزرگمایی شد و با انواع فشارهای سیاسی، برخی کاری کرده‌اند که این سازمان، بیش از تعهدات قانونی خود، هزینه کند و در موقعیت شکننده قرار گیرد. بنابراین چندان عجیب نیست در شرایطی که طرح تحول نظام سلامت، دچار کمبود منابع مالی شده، بعضی طیف‌ها و جریان‌های هوادار ادامه طرح، خواهان جدایی بخش درمان تامین اجتماعی باشند و شفافیت در هزینه‌کرد سهم حق بیمه در مان کارگران را بپایانه کنند. نگارنده به دلایل بسیاری معتقد است جدایی حساب درمان، غیرکارشناسی است و عواقب متعددی دارد. از نظر قانونی نیز چنین مصوبه‌هایی، موجب شکل‌گیری رویه‌هایی غلط و درعین حال، خطرناک می‌شود که راه را برای دست‌اندازی به منابع مالی بیمه‌شدگان، هموار می‌کند. مستحضر باشید زمانی که صحبت از سهم نه‌نیست‌وهفتم می‌شود، ۲ درصد از این مبلغ، باید برای زمان بازنشستگی کنار گذاشته‌شود؛ اما از آنجا‌که تامین اجتماعی در طرح تحول، متحمل هزینه‌هایی هنگفت شده، عملا این ۲ درصد، پیش‌خور شده است. نکته دیگر آنکه سهم هفت‌بیست‌وهفتم درمان، نقدی است و نه تعهدی. طبیعتا زمانی که دولت به طور کامل، به تعهدات عمل نمی‌کند، نمی‌توان انتظار داشت منابع چندانی برای این بخش تامین شود. هرچند در سازمان تامین اجتماعی، تا به امروز روال این بوده که هر موقع پولی وارد سازمان شده، ابتدا سهم بخش درمان، کنار گذاشته شده تا نیاز بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران به خدمات درمانی در کوتاه‌ترین زمان ممکن پاسخ داده‌شود. علاوه بر این، بنا بر صراحت‌های قانونی، سازمان تامین اجتماعی، از استقلال مالی و اداری برخوردار است و مواضع جمعی از نمایندگان در این باره، صادق و تعیین‌کننده نیست. یعنی نمی‌توان با مصوبه‌ای از جنس بودجه‌های یک‌ساله دولت، سرنوشت نسل‌های آینده یک نهاد بیمه‌ای را تعیین کرد؛ چرا که تمام ضرایب مالی؛ براساس محاسبات بیمه‌ای بین‌نسلی صورت می‌گیرد و هرگونه دخل و تصرف‌های غیرکارشناسی، منجر به ناپایداری صندوق می‌شود. استدلال نمایندگان در بند «ز» تبصره ۷ لایحه بودجه، شفاف کردن دخل و خرج‌های درمان تامین اجتماعی است اما فراموش نکنیم شفافیت، علاوه بر وصول منابع، هزینه‌کرد آنها را هم در برمی‌گیرد. سوال این است که آیا نمایندگانی که خواهان شفافیت در وصول حق بیمه هستند، در هزینه‌کردها هم به شفافیت اعتقاد دارند؟ اگر این‌طور است، پس دلیل این همه نارضایتی و اعتراض چیست؟ از اینها گذشته، اگر صندوق‌های بازنشستگی، منابع بیشتری را به نظام سلامت تزریق کنند، روند کنونی تا کی دوام می‌آورد؟ و ... بنابراین، این مباحث و دلایل توجیهی نمایندگان، برای جدایی حساب درمان تامین اجتماعی، قابل دفاع نیست و چه بسا در پشت این جهت‌گیری، عده‌ای چشم طمع به منابع تامین اجتماعی دوخته‌باشند. حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که نیت اصلی طراحان، شفافیت حداکثری بوده، از راه‌های دیگری مانند تحقیق و تفحص هم می‌شده به این مهم پرداخت.

کارشناس تامین اجتماعی